

امام موسی صدر و دغدغه هم‌گرایی جهان اسلام

سیدعلی بطحایی*

اشاره

هم‌گرایی و تقریب از مهم‌ترین راهبردها و سیاست‌هایی است که جهان اسلام را به مرحله تعادل و تعامل می‌رساند. از این‌رو بسیاری از بزرگان شیعه و سنی در جهت تحقق تقریب مذاهب اسلامی تلاش کرده و راه‌کارهایی پیش راه امت اسلامی قرار داده‌اند. یکی از جدی‌ترین حامیان تقریب امام موسی صدر بود و این امر مهم در صدر اقدامات اصلاحی و نوگرایانه ایشان در لبنان و جهان اسلام قرار داشت. امام موسی صدر که جایگاه رفیعی در میان علمای امت اسلامی داشت، در هر فرصتی این هدف مصلحانه را پیگیری می‌کرد. ایشان در این زمینه فعالیتی چشم‌گیر و گسترده داشت و با ایراد سخنرانی، دیدار و گفت‌وگو با اندیشمندان جهان اسلام، شرکت در کنفرانس‌ها و مجامع اسلامی، ارائه مقاله در موضوعات مرتبط با امت اسلامی و مکاتبه با علمای اسلام در پی القای روحیه هم‌گرایی به امت اسلام بود. راه‌کارهای وحدت‌جویانه ایشان از جمله موضوعات بدیع و بکری است که توجه و تمسک به آن مسیر پرفروغی را برای ما می‌گشاید. از جمله این راه‌کارها می‌توان توجه به همکاری‌های فقهی، وحدت فقهی شعائر اجتماعی، و اقدامات عملی اشاره کرد که در این مقاله بدان‌ها پرداخته‌ایم.

کلیدواژه‌ها: امام موسی صدر، هم‌گرایی جهان اسلام، تقریب مذاهب، وحدت فقهی

مقدمه

امام موسی صدر اندیشمندی شناخته‌شده و پیشرو در جهان اسلام است که جایگاه رفیعی در میان علمای امت اسلامی دارد. در هشتمین همایش «التعرُّف علی الفکر الاسلامی» که در سال ۱۹۷۳ میلادی در الجزایر برگزار شد، ایشان پس از ارائه مقاله وزین خود با عنوان «روح الشریعة الاسلامیه» به عنوان «نجم مؤتمر» شناخته و صدرنشین اندیشمندان آن همایش مهم شد (کمالیان، ۱۳۷۷: ۱۷). شیخ محمد الفخام رئیس وقت دانشگاه الازهر مصر، امام موسی صدر را مصداق بارز آیه شریفه «و زاده بسطة فی العلم و الجسم» معرفی کرد (محمودی، ۱۳۸۷: ۱۸) و جمال عبدالناصر، رئیس جمهور وقت مصر، پس از دیدار با ایشان آرزو کرد که ای کاش دانشگاه الازهر، رئیسی چون آقای موسی صدر می‌داشت (خسروشاهی، ۱۳۸۷: ۲۶۸). یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امام صدر هم‌گرایی و وحدت امت اسلامی بود و در این راه تلاش بسیاری کرد. آگاهی از دغدغه‌ها و اندیشه‌های او در باب وحدت امت اسلامی و آشنایی با ایده همسوگرایی و وحدت فقهی او، هنوز هم می‌تواند راهنمایی برای هم‌گرایی بیشتر میان علما و پیروان اسلام باشد.

ضرورت وحدت اسلامی و برپایی امت واحده

یکی از مهم‌ترین اقدامات و فعالیت‌های امام موسی صدر در مدت بیست سال حضور سرافرازانه‌اش در لبنان و جهان اسلام، دعوت به وحدت و یکپارچگی جهان اسلام بود. امام صدر در این زمینه فعالیت‌های چشم‌گیر و گسترده داشت و به ایراد سخنرانی، دیدار و گفت‌وگو با اندیشمندان جهان اسلام، شرکت در کنفرانس‌ها و مجامع اسلامی، ارائه مقاله در موضوعات مرتبط با مسائل امت اسلامی، و مکاتبه با علمای اسلام می‌پرداخت. امام صدر ریشه اصلی عقب‌ماندگی‌ها و کج‌روی‌های جهان اسلام را در جدایی و افتراق امت اسلامی از یکدیگر می‌دانست و به فراخور هر موضوعی و در هر مجالی ندای هم‌گرایی امت اسلامی را سر می‌داد. ایشان وعده مهم پیامبر اعظم (ص) را برپایی وحدت می‌دانست و می‌گفت: «پیامبر برای برپایی جهان واحد و اجتماع برتر، همه قیدها را در یک وسعت بی‌سابقه و بی‌همتا در هم شکست...» (صدر، ۱۳۸۷ الف: ۱۴). وی هدف واقعی اسلام را برپایی وحدت می‌دانست: «خلاصه و جان کلام اینکه

ویژگی اسلام عبارت است از وحدت در ایمان، تشریح (قانون‌گذاری) و تفسیر...» (حجتی کرمانی، ۱۳۸۳: ۱۹).

امام موسی صدر بنیان اصلی انسان و اسلام و امت اسلامی را بر مبنایی جامع و الگویی منظم از وحدت همه‌جانبه تبیین می‌کرد: «انسان با جسم و روحش موجودی است واحد، با وحدتی متکامل و با تأثیر و تأثرهای متقابل. در زمینه عقیده و ایمان، خدا اوّل و آخر و ظاهر و باطن و مبدأ و منتها و واحد است. اِنَا لِلّٰهِ وَ اِنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶) علت غایی و هدف از سیر و رفتن و پویایی و عبادت و کوشش و جهاد نیز خدای واحد است. وَ مَا اُمْرُوْا اِلَّا لِيَعْبُدُوْا اللّٰهَ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ (بینه: ۵)؛ و آنان را جز این فرمان ندادند که خدا را پرستند در حالی که در دین او اخلاص می‌ورزند. وَ يَكُوْنُ الدِّيْنُ كُلُّهُ لِلّٰهِ (انفال: ۳۹)؛ و دین همه دین خدا گردد. ما در نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، مدنی و اخلاقی اسلام، به یک سلسله کوشش روشن و پیگیر برمی‌خوریم که هدفش این است که این برنامه‌ها و نظام‌ها همه بر شالوده و قاعده واحدی پی‌ریزی شوند، آن‌طور که میان افراد آن‌چنان نزدیکی به وجود آید که به تعبیر دانشمندان علم منطبق هر واحدی بعضی از کل باشد، نه فردی از کلی. جالب توجه این‌که تعبیر قرآن مجید از اموال و تعهدات و نیروهای مادی و معنوی افراد مختلف این است که همه آنها برای شما و در مسیر منافع شما (لکم) قرار داده شده است - به مجموعه انسان‌ها و جامعه تخصیص داده شده تا بر این نگرش تربیتی تأکید شود» (حجتی کرمانی، ۱۳۸۳: ۱۹).

وی تشکیل امت واحده و نایل شدن به وحدت و همبستگی یکپارچه میان جامعه اسلامی را امری ضروری می‌دانست و معتقد بود که «حقیقت امت یا جامعه در این تعریف خلاصه نمی‌شود که بگوییم، مجموعه‌ای از افراد یا کمیت منفعلی از بشر است. میان شعب (امت) و ناس (مردم) تفاوت است. شعب یعنی وجود وحدت و وجود فکر و رسالتی واحد که بر دوش مردم قرار دارد و موارد اختلاف را در گورهای می‌گدازد و ذوب می‌کند و همه را تبدیل به وجودی منسجم و یگانه می‌کند. این مفهوم شعب یا امت است. اسرائیل و استعمار با یک امت چه می‌توانند بکنند؟ آنان را آواره کنند یا بکشند؟ این‌گونه تجاوزها تا وقتی که حتی یک نفر از امتی وجود دارد و به وحدتی که شکل‌دهنده شعب است ایمان دارد، هیچ آسیبی نمی‌رساند. خطری که امت و لبنان را تهدید می‌کند از درون همین امت سرچشمه می‌گیرد» (حجتی کرمانی، ۱۳۸۳: ۳۶۳).

ایشان در نهایت، وحدت را بهترین زمینه و بستر برای تعاون و همیاری و همکاری جامعه می‌دانست و با صراحت تمام بر ضرورت وحدت تأکید می‌کرد: «... وحدت کلیه محاسبات و معادلات را دگرگون می‌کند و جامعه را به مرحله تعامل و همکاری می‌رساند» (همان).

امام موسی صدر «حقیقت ناب اسلام» را بهترین جایگاه برای هم‌گرایی جامعه اسلامی می‌دانست و گرد آمدن مذاهب و فرق اسلامی را تحت لوای اسلام، امری مهم و اجتناب‌ناپذیر معرفی می‌کرد. وی در ضمن دیدار و مباحثه با شیخ سعدی یاسین، از علمای اهل سنت بیروت و از مؤسسان «رابطة الاسلامی مکّه»، ضمن طرد تفاسیر سلیقه‌ای از اسلام، این تفاسیر را عامل جدایی و چندپارگی امت یکپارچه اسلامی دانست. ایشان خود در این زمینه می‌گوید: «در کنار هم نشسته بودیم که سخن از چپ و راست شد. برادرمان، شیخ سعدی یاسین، اصرار داشت که اسلام راست است. به او گفتم چه مسئله‌ای باعث شده که تو این نظر را داشته باشی و خود را در کنار استعمارگران و امپریالیسم جهانی قرار دهی؟ چگونه بار گناهان استعمارگران را بر دوش می‌گیری؟ گفت: به نظر شما ما کیستیم؟ به او گفتم که در منطق قرآن ما بر صراط مستقیم، غیر المغضوب علیهم، ولا الضالین، هستیم. حقیقت این است که پژوهشگر عمیق قرآنی درمی‌یابد که "المغضوب علیهم" راستی‌ها هستند و "الضالین" چپی‌ها هستند. ما هم در صراط مستقیم هستیم» (صدر، ۱۳۸۶: ۹۴).

این نگاه هم‌گرایانه امام صدر به اسلام و این فراجنحی اندیشیدن او، در همه عرصه‌ها به‌ویژه در مسئله فرق و مذاهب اسلامی نیز وجود داشت. ایشان همچنین تفکرات مخالف با وحدت جامعه اسلامی و اندیشه‌های ضد هم‌گرایی را بستری خطرناک می‌دانست و این اندیشه‌ها را مانعی بزرگ در راه تعاملات سازنده میان فرق و مذاهب اسلامی معرفی می‌کرد^۱ (کمالیان، ۱۳۸۶: ۳۹).

دعوت به همکاری سازنده میان مذاهب اسلامی

امام موسی صدر در مورد ادیان، اعتقاد به یکی بودن ریشه ادیان داشت و حقیقت آنها را یک چیز می‌دانست (صدر، ۱۳۸۴: ۱۴)؛ اما در مورد مذاهب نظری دیگر داشت و ذات مذاهب را یکی نمی‌دانست: «از آنچه گذشت می‌فهمیم که ادیان یکی هستند، در حالی

که مذاهب چنین نیستند. مذهب راه یا منش خاصی است که به افرادی معین اختصاص دارد؛ مثلاً تشیع و تسنن نه دو دین که دو مذهب از دینی واحدند، که فتنه سیاست، از اموی‌گری متعصب گرفته تا صفوی‌گری متعصب، میان آنها جدایی افکند. شایسته بود از این اختلاف، که تنها به واسطه سیاست‌ها پدید آمد، اجتناب شود. چه، تشیع و تسنن از یک سرچشمه، از یک پیامبر و از یک کتاب نشئت گرفته‌اند و هیچ اختلافی میان آن دو نیست جز آنکه تشیع نگاه و نگرشی خاص به مبارزه پیشوایان اسلام است» (صدر، ۱۳۸۴: ۱۳۸).

ایشان هنگامی که به مسئله اختلاف میان مذاهب اسلامی و قلمرو آنها در اسلام می‌رسد با لطافت و ظرافت می‌گوید: «به روشنی پیدا است که کلمه "مذهب" به معنای "راه" است؛ چراکه اسم مکان و مصدر از ماده "ذهاب" است. پس مذاهب در اسلام به معنای راه‌هایی برای رسیدن به اسلام، درک ابعاد آن، و پرداختن به آیین‌های آن و اجتهاد دائمی در طول زمان است. بر این اساس، بیشترین التزام به مذهب این است که بُعد واقعی‌اش را به آن عطا کنیم و در آن زیاده‌روی نکنیم. پس هدف، اسلام است و مذاهب فقط وسیله و راه‌اند و مسلمان پای‌بند نمی‌تواند هدف را فدای راه کند. این مبنای کلی است. ... بدون شک در تعالیم و احکام، اختلافاتی میان مذاهب اسلامی وجود دارد؛ اما می‌دانیم که همه دارای اصول و ارزش‌های یکسان، کتاب و قبله واحدند و این اختلافات در جایگاه مناسبت اتحاد مسلمانان را دگرگون نمی‌کند، بلکه آن را تأیید و امر اجتهاد را آسان می‌سازد» (صدر، ۱۳۸۴: ۱۴۸). این گفته که از بهترین جملات امام صدر در مورد وحدت اسلامی است، دارای بار معنایی کاملی است. این کلام امام صدر هم هدف از هم‌گرایی امت اسلامی و هم روش و ابزار این هم‌گرایی را بازگو می‌کند. با بررسی این سخن، می‌توانیم نقشه راه کامل و پرفروغی را که امام صدر برای یکپارچگی امت اسلامی در سر داشت بفهمیم. او در مرحله نخست اختلاف میان مذاهب را امری قابل‌پذیرش می‌دانست و معتقد بود با انکار واقعیات موجود نمی‌توان گامی پیش رفت. طبیعی است کسی که به این مهم ملتزم می‌شود، در اجرای مدل هم‌گرایی‌اش، وحدتی را انتخاب می‌کند که ضمن پذیرش اختلافات، آنها را تا حدودی نیز کنترل و به مسیری دیگر هدایت کند. به عبارت دیگر امام صدر با پذیرش اختلافات میان مذاهب و کم‌کردن قلمروی اختلافات، آنها را به جایگاه و مسیر دیگری راهنمایی

می‌کند. بدین ترتیب او با جداسازی مباحث کلامی از ارتباطات میان مذاهب، در مسیر رسیدن به هم‌گرایی تحول و تغییری مثبت پدید می‌آورد و با تکیه ویژه بر عناصر اشتراک مذاهب، از تن دادن به مباحث جدلانگیز کلامی می‌پرهیزد.

توجه و تأمل در عبارتهای منقول از امام موسی صدر نشان می‌دهد که ایشان اختلافات کلامی را بی‌اهمیت نمی‌دانست بلکه اختلافات را به جایگاهی دیگر وامی‌گذاشت. از نظر او جایگاه مناسب این اختلافات، آرای فقهی است؛ زیرا هدایت این اختلافات به مسیر مباحث فقهی موجب پویایی بیشتر مسلمانان می‌شود: «مؤمن هنگامی که برای او تصویری ثابت و ماندگار نقش می‌بندد، اجتهاد نمی‌کند و فروتنانه آن را می‌پذیرد. ولی هنگامی که آرای مختلف در فهم حکم دینی پدید می‌آیند، انسان مسلمان می‌تواند اجتهاد کند، بیندیشد و برای وضع حکمی بکوشد... تا نیازهای روزافزون و نوپیدای زمان‌های مختلف را برآورد. این یکی از معانی فرمایش پیامبر (ص) است که فرمود: «اختلاف امتی رحمة» (اختلاف امت من مایه رحمت است). این مطلب هنگامی روشن می‌شود که آرای مختلف فقهی را در یک موضوع با هم بسنجیم» (صدر، ۱۳۸۴: ۱۴۹). ایشان با توجه به مسائل مهم و اساسی جوامع و جهان امروز، بررسی اختلافات کلامی را در شرایط کنونی بی‌منفعت می‌دانست.

امام صدر از تهران به زهران و از لبنان به تلمسان در پی دعوت جهان اسلام به وحدت و هم‌گرایی بود. در سال ۱۳۵۰ شمسی که به‌عنوان رئیس مجلس اعدا در همایش «مجمع البحوث الاسلامیه» شرکت کرده بود، دربارهٔ تعامل با اهل سنت گفت: «هم‌اکنون نزدیک به صد میلیون شیعه مسلمان، با همه توانایی‌ها، مهارت‌ها، کشورها، دانشگاه‌ها و امکانات بشری دیگری که دارند، در برهه‌ای طولانی، از سایر برادران مسلمان خویش طرد شده‌اند، آن هم به دلایل و اسبابی که ارتباطی با دین ندارد. این منزوی ساختن آنان به نفع مسلمانان نخواهد بود، بلکه باعث می‌شود در شرایطی که نیازمند به تمام توان خویش هستند، دچار ضعف و تزلزل گردند. تلاش من بر این است که از طریق روشن ساختن آرا و افکار ایشان و تبیین دیدگاه‌های آنان دو امر را بر تمام مسلمانان عالم مورد تأکید قرار دهم: اول اینکه هیچ دلیلی برای این طرد کردن و منزوی ساختن نیست و دوم اینکه شیعیان، مسلمانانی شایسته‌اند و اسلام با گذشت و سعه صدر تفاوت‌های میان شیعیان و برادرانشان را تحمل می‌کند. همچنان‌که در مورد

اختلافات بین سایر مذاهب نیز این‌طور است. از این گذشته تفاوت بین مذاهب و اختلاف آنها باعث پیشرفتِ تفکر اسلام است و هر مسلمانی در ضمن این اختلافات می‌تواند حرکت کند. به همین دلیل بنده با تأکید فراوان آمادگی خود را برای دنبال کردن این گفتمان مقدّس بین شیعه و سنی و جواب دادن به همه پرسش‌ها و برطرف کردن و ردّ همه اتهام‌ها و بالاخره هرگونه ابهام در مواضع شیعه و آرا و افکارش اعلام می‌دارم» (صدر، ۱۳۸۴: ۲۴۵).

امام موسی صدر به اشتراکات فراوان عقیدتی و کلامی متمسک می‌شد و به اختلافات جنجال‌آفرین کلامی توجه نمی‌کرد و پرداختن به آنها را بی‌ثمر می‌دید. از طرف دیگر وی که نمی‌توانست اختلافات مذهبی را نادیده بگیرد، پیشنهاد کرد که باید جهت این اختلافات را تغییر داد و آنها را به مسیر تکامل فقهی هدایت کرد. وی با ارائه مقاله‌ای با عنوان «روح تشریح در اسلام» (صدر، ۱۳۸۷: ۶) به هشتمین کنفرانس «التعرّف علی الفکر الاسلامی» که در تلمسان الجزایر برگزار شد، با بسترسازی مفهوم «تحوّل در شریعت»، همکاری علمای مذاهب را جهت هم‌گرایی و حل معضلات جهان معاصر بر طبق قوانین اسلامی خواستار شد. او چهار سال بعد با نگارش نامه‌ای مهم خطاب به مفتی حسن خالد تغییر مسیر اختلافات کلامی به مسیر اختلافات فقهی را بستری مناسب برای هم‌گرایی جهان اسلام مطرح کرد.

حلّ مشکلات انسان رنجیده معاصر بستری برای هم‌گرایی

امام موسی صدر با طرح مشکلات متعدّد جوامع اسلامی، مثل فقدان عدالت اجتماعی و اقتصادی، وجود اختلاف طبقاتی، و بازماندگی اسلام از تمدن‌سازی در جهان معاصر، ضمن ارائه راه‌کارهای دینی‌اش، از علمای جهان اسلام خواستار حلّ این معضلات می‌شد. امام موسی صدر از علمای اسلام درخواست می‌کرد به جای اینکه به منازعات بی‌ثمر بپردازند، در پی نظریه‌پردازی و هم‌فکری و هم‌گرایی در حلّ معضلات دنیای امروز و انسان معاصر باشند.

امام موسی صدر ریشه بحران‌های جهان امروز را در عدم رعایت قوانین اصیل اسلام می‌دید و در بسیاری از نوشته‌ها و گفته‌هایش در جمع علمای اسلام این مطلب را به وضوح به همگان گوشزد می‌کرد (صدر، ۱۳۸۷: ۱۳)؛ برای مثال در هشتمین

کنفرانس «التعرف على الفكر الاسلامي»، به‌طور خیلی ظریف و هنرمندانه، خطاب به علمای اسلام روح قانون‌گذاری در دنیای معاصر را مطابق اساس‌نامه اسلامی ندانست و با آوردن مصادیق مختلف، تحوّل و دگرگونی و بازنگری در قوانین حاکم بر امت اسلامی را از رسالت‌های مهم علمای اسلام برشمرد.

امام موسی صدر دو سال بعد در سخنرانی خود در نهمین همایش اندیشه اسلامی «ملتقى الفكر الاسلامي»، پس از طرح موضوع عدالت و نیاز مبرم دنیای معاصر به آن، به بررسی عدالت در اسلام پرداخت و با تحلیلی نوین از نقش مفاهیم اصیل و کهن مثل انفاق و زکات در تحقق عدالت، ضمن ارائه راه‌کارهای دینی برای تحقق عدالت به مسئولیت همگان، خصوصاً وظیفه خطیر و سنگین علما پرداخت و گفت: «مسئولیت علمای دین در این زمینه بسیار بزرگ و دقیق و فوری است؛ زیرا آنان در راه خدمت به اسلام و مسلمانان، به‌ویژه محرومان و ستم‌دیدگان، امین مردم‌اند و تنها آنان‌اند که می‌توانند از مبارزه و پیکار محرومان و ستم‌دیدگان در داخل جامعه‌های اسلامی تصویر درستی به دست دهند و شائبه تندروی و الحاد را از آن بزدايند و به‌ویژه از خدشه‌دار شدن تلاش‌هایی که برای احقاق حقوق صورت می‌گیرد، جلوگیری کنند؛ زیرا ستمگران و غاصبان حقوق ملت‌ها، به متهم کردن این جنبش‌ها به الحاد یا طایفه‌گرایی عادت کرده‌اند و بهترین راه‌حل برای این سلاح ویرانگر، پشتیبانی علمای دین از جنبش‌ها و حمایت از آنهاست» (صدر، ۱۳۸۷ج: ۲۶).

وحدت فقهی، راه‌کاری بدیع برای هم‌گرایی

یکی دیگر از اقدامات امام موسی صدر در زمینه وحدت امت اسلامی که بسیار مغفول مانده و حکایت از دید هم‌گرایانه امام موسی صدر دارد، ارائه نظریه وحدت فقهی است. ایشان عرض اندام مذاهب اسلامی مختلف را در قلمرو فقه، ممدوح می‌دانست و از کشیده شدن اختلافات مذاهب به بستر فقه استقبال می‌کرد. این امر مهم اولین بار در نامه امام موسی صدر به مفتی حسن خالد جلوه یافت و بعدها در مجامع بیرون از لبنان پیگیری شد^۲ (شریعت‌مداری، ۱۳۷۹: ۱۲۹). امام صدر در نامه‌اش به مفتی حسن خالد این ایده را به صورت مبسوط تشریح کرده است. امام به مصداق شفاف و عینی هم‌گرایی در مناسک اجتماعی اسلام می‌رسد و می‌افزاید: «به عنوان نمونه، برخی از این اهداف را

یادآور می‌شوم: اهداف کاملاً دینی، مانند وحدت عیدها و شعائر دینی و یکی شدن الفاظ برخی از عبادت‌ها مانند اذان و نماز جماعت. می‌توان برای به دست آوردن طلوع ماه نو در افق به روش‌های نوین علمی اعتماد کرد تا روز عید فطر به دقت معلوم شود و مسلمانان جهان بتوانند روز واحدی را به‌عنوان عید گرامی بدانند و به‌راحتی بتوانند از پیش برای این روز برنامه‌ریزی کنند. همچنین می‌توان برای اذان الفاطمی را در نظر گرفت که مورد پذیرش همگان باشد» (اباذری، ۱۳۸۱: ۲۷۶).

وی سه سال بعد، در این مورد در حاشیه هفتمین کنفرانس اندیشه اسلامی در الجزایر در سال ۱۳۵۱ در پاسخ به پرسش یکی از خبرنگاران درباره وحدت مذاهب اسلامی اظهار داشت که در زمینه مذاهب اسلامی با دو جنبه یا دو بخش روبه‌رویم:

نخست، شعائر اسلامی است که مقصود از آن احکامی است که در ظاهر فرد و جامعه بروز می‌یابد؛ اختلاف در شعائر، امت یگانه را در نظر دیگران مجموعه‌ای پراکنده می‌نمایاند. شعائر پیوند عمیقی با عموم مردم دارد و در نتیجه، اختلاف در آنها به شدت در عموم مؤمنان اثر می‌گذارد؛ از این رو مسئولیت‌پذیری اسلامی می‌طلبد که برای یکی شدن این شعائر، علی‌رغم اختلاف در دیدگاه‌های فقهی، تلاش زیادی صورت بگیرد. من تأکید دارم که یکی شدن این شعائر دست‌یافتنی است و من خودم در همایش مجمع تحقیقات اسلامی در قاهره در این زمینه پیشنهادی کارشناسی شده را عرضه کردم، همچنان‌که عالمان بسیاری در این راه کوشش‌های درخور ستایشی انجام داده‌اند و می‌دهند.

دوم، فقه اسلامی و دیگر آموزه‌های اسلام است؛ این میراث سترگ که دستاورد تلاشی است طاقت‌فرسا و حاصل رقابت‌هایی است که همه نیروهای آدمی را به خدمت می‌گیرد، به هیچ‌وجه نمی‌تواند نادیده انگاشته شود یا با صرف شعار وحدت مذاهب از بین برود؛ به‌ویژه آنکه این اختلاف‌نظر چون در سطح خواص مطرح است، آسیبی نمی‌رساند و پراکندگی به بار نمی‌آورد، بلکه همواره بر غنای اندیشه‌ها می‌افزاید. بجاست باز تأکید کنم که اختلاف‌نظر به سود پیشرفت و ترقی است و اجتهادورزی را آسان‌تر می‌کند و در نتیجه، اقتباس صحیح راه‌حل مشکلات و نیازهای زمانه را از اسلام ممکن می‌سازد؛ زیرا احکام دینی، به دلیل الهی و مقدس بودن، دارای خصیصه اطلاق و شمول - یا به اصطلاح، دگماتیست و جزم‌اندیشانه - است و اگر این احکام یکسان و

مورد قبول همگان باشند، فقیه یا عالم به دشواری می‌تواند جسارت به خرج دهد و در پی تحوّل و تغییر برآید؛ ولی با وجود دیدگاه‌های متفاوت و متعارض، تغییر و تحوّل و برگرفتن راه تأمین نیازها آسان می‌شود. اما تلاش‌هایی که برای یکی‌کردن مذاهب یا به تعبیر دقیق‌تر، برای نزدیک‌کردن مذاهب به یکدیگر صورت می‌گیرد، همچنان موردنظر و خواست همه کسانی است که خالصانه به اسلام عشق می‌ورزند (شریعتمداری، ۱۳۷۹: ۱۳۴).

او مشکل اختلافات فقهی را نه در نفس خود اختلافات — که از نظر او ممدوح است — بلکه در بازتاب آنها در میان امت اسلام و سوءاستفاده از آنها می‌داند. وی با تفکیک عبادات مسلمانان به عباداتی که با لحظاتی از روز مرتبط است و اعمالی که با کلّ یک روز وابستگی دارد، اتّفاق فقهی و یکپارچگی امت اسلام در مناسکی که وابسته به کلّ روز است را به‌عنوان راه‌کاری بدیع پیشنهاد می‌کند: «اختلافات فقها مطمئناً بر واجباتی که مرتبط با عیدها و اوقات روزانه است، تأثیر می‌گذارد؛ مثل وقت ظهر، عصر و صبح و حتی در مواردی مثل برپایی نماز عید، روزه و افطار، که وابسته به طلوع و غروب خورشید است. اما مناسبت‌هایی که با کلّ روز در ارتباط است، مثل عیدها، ایام هفته و مناسبت‌های فراگیر اسلامی، امکان یکپارچه‌کردنشان وجود دارد؛ مانند روز جمعه و شنبه و دیگر روزهای هفته که در همه دنیا یکی هستند. هرچند ساعت‌ها متفاوت باشند» (صدر، ۱۳۸۴: ۱۵۱). ایشان در همین زمینه با استناد به فتوای افق واحد آیات عظام خویی و حکیم و همچنین اشاره به مؤیداتی از مذاهب مالکی و حنفی و حنبلی و شافعی، یکپارچگی امت اسلامی را در شعائری که وابسته به رؤیت هلال ماه هستند خواستار شدند و افزودند: «مطلب دیگر، انعکاس این آرای مختلف در عرصه شعائر اسلامی است و تفاوت شعائر میان مسلمانان سبب بروز اختلاف میان آنان می‌گردد. از آنجا که غالباً برای عامه مردم زمینه‌ای وجود ندارد تا این گوناگونی روش‌ها را وسیله‌ای برای غنا و آراستگی امت قرار دهند، در نتیجه، عواملی غیردینی، همانند جهل، استعمار یا سیاست، پا به صحنه می‌گذارد و این پدیده‌های متنوع را، دست‌کم، به عامل اختلاف و دو دستگی گروه‌های اسلامی تبدیل می‌کند. از این رو حل این موضوع برای محافل اسلامی مسئول، اهمّیت ویژه‌ای دارد» (صدر، ۱۳۸۴: ۱۴۹).

نمود و بروز دیگری که در زمینه همکاری میان امت اسلامی یافت می‌شود، پیشنهاد وحدت در شعائر اسلامی همچون اذان یکسان و نماز جماعت یک‌شکل است. هرچند در آن زمان، عده‌ای با اعلام عدم آمادگی برای تدوین یک اذان مشترک مانع از تحقق این امر شدند، ولی این پیشنهاد نشان‌دهنده همکاری امام موسی صدر در اجرای مناسک اجتماعی یکپارچه امت اسلامی است. دکتر محسن کمالیان در این زمینه می‌نویسد: «پخش اذان و شعائر مذهبی شیعه از رادیو و تلویزیون لبنان، با کسب اجازه از شخص مفتی حسن خالد و پس از آن صورت گرفت که رهبر اهل سنت لبنان عدم آمادگی خود را برای عملی ساختن پیشنهاد دیرینه امام موسی صدر مبنی بر استنباط یک اذان یکسان اسلامی توسط علمای شیعه و سنی اعلام کرد» (کمالیان، ۱۳۸۰: ۱۱، ۶۴).^۳

به هر حال آنچه از اقدامات امام موسی صدر در مورد وحدت مذاهب می‌توان استخراج نمود و آن را مبنای ایشان در این امر دانست، تلاش برای برپایی امت یکپارچه اسلامی با تمام اختلافات درون خود در مقابل سایر جوامع غیراسلامی و همکاری آنها برای حل مشکلات انسان معاصر است.

البته این کنار نهادن اختلافات کلامی به معنای دست‌کشیدن از عقاید اصیل خود نبود، امام صدر در موارد بسیاری مثل تخریب قبور ائمه و منع زیارت آنان و مباحثی مثل مُتعه و عقاید اصیل شیعی، همانند یک مرزبان هوشیار و متعهد عقاید صائب شیعه را به بهترین صورت معرفی و از حقانیت آنها دفاع درست و حساب‌شده می‌کرد (خسروشاهی، ۱۳۸۷: ۲۴۷). وی در مورد منابع شرعی معتقد بود: «شیعه در عین احترامی که برای صحابه قائل است، گفتار آنان را حجت نمی‌داند؛ مگر در مواردی که به روایات پیامبر(ص) تعلق گرفته باشد یا اینکه سخن صحابی درباره ضرورت رجوع به پیامبر در امور پیروی کردن از ایشان و توجه به سخنان ایشان باشد. شیعیان به سخنان اهل بیت پیامبر استناد می‌کنند؛ زیرا خود پیامبر به تمسک به آنان و پذیرفتن سخنانشان سفارش کرده است» (صدر، ۱۳۸۴: ۲۷۳). ایشان همچنین برای بازسازی قبور ائمه بقیع بسیار تلاش کرد. آیت‌الله محلاتی در این زمینه نقل می‌کند: «آقا موسی، به ملک فیصل فشارهای زیادی آورده بود تا برای قبور ائمه طرحی پیاده کنند. البته نه اینکه گنبد و بارگاه بسازند؛ بلکه طرحی اجرا شود که آبرومند باشد» (کمالیان، ۱۳۸۶: ۷۰).

نمونه‌ای دیگر از دفاع ایشان از عقاید شیعه را می‌توان در مصاحبه‌ی ایشان با روزنامه‌ی *النهار* دید. وی در پاسخ به سؤالی مبنی بر تفاوت شیعه و غیرشیعه می‌گوید: «تفاوت اساسی در میان شیعه و غیرشیعه در دو مورد خلاصه می‌شود: نخست، ولایت: حقیقت مسئله‌ی ولایت عبارت است از ایجاد جامعه‌ای صالح از راه تشکیل حکومتی صالح. علی (ع) برترین این مصداق‌ها بود. در نظرگاه شیعه مسئله‌ی ولایت از مهم‌ترین احکام شرعی است. من اعتقاد دارم تشکیل جامعه‌ای صالح بیش از هر اقدام دیگری به رشد و کمال انسان می‌انجامد. بنابراین، ولایت، که از نظر شیعه مسئله‌ای اساسی به شمار می‌رود، تنها جنبه‌ی تاریخی ندارد، بلکه مسئله‌ای است همیشگی، در هر زمان و در هر جامعه‌ای. دوم، منابع شرعی: در نظرگاه شیعه، پس از نصوص قرآنی و سنت نبوی، سنت اهل بیت و روایات و تعلیمات آنان منبع و مصدر شرعی به شمار می‌آیند؛ اما مذاهب دیگر، غیر از قرآن و سنت پیامبر (ص)، آرای صحابه‌ی پیامبر (ص) را از منابع شرعی به حساب می‌آورند. در اینجا است که با تفاوت‌های بسیاری در احکام و تعالیم دینی روبه‌رو می‌شویم. اما تمام این تفاوت‌ها و حتی اصل اجتهاد در دایره‌ی فروع محدود می‌شوند و موجب تفاوت و فرق در اساس و ارکان اسلامی نمی‌گردند» (حجتی کرمانی، ۱۳۸۳: ۲۲۰).

امام ضمن توجه به اختلافات مسلمانان، در جهت رسیدن به یکپارچگی امت اسلامی تلاش می‌کرد. ایشان هدف از هم‌گرایی امت و جهان اسلام را تشکیل جبهه‌ی واحد و متحد اسلامی می‌دانست و آنگاه قصد داشت به همکاری اسلام و مسیحیت بپردازد تا با استعانت از این همکاری اسلام و مسیحیت، به مقابله با بیدادگری یهود و همچنین الحاد، فساد، استعمار و استثمار و خوارکردن انسان‌ها برخیزد (صدر، ۱۳۸۴: ۲۶۰).

نتیجه

یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های امام موسی صدر در جهان اسلام، برقراری تعاون و هم‌گرایی میان جامعه اسلامی بود. ایشان قائل بودند که واگرایی پیروان امت حضرت محمد (ص)، در طی قرون متمادی، ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکره‌ی امت اسلامی و جهان اسلام وارد کرده است و بین آنان فاصله‌ای غیرواقعی انداخته است. وی معتقد

بود زمانه ما نیاز بیشتری به هم‌گرایی و همیاری امت اسلامی دارد و نیازهای روزافزون دنیای معاصر، همکاری بیش از پیش امت اسلامی را می‌طلبد. وی که همواره منادی وحدت در جهان اسلام بود، همیاری و تعاون فکری-فقهی اندیشمندان جهان اسلام را راهی درست در جهت انجام رسالت‌های دیرینه علما می‌دانست. او حل مشکلات پدیدآمده در دوران معاصر را ضرورتی برای وحدت جامعه اسلامی مطرح می‌کرد و همسویی جامعه اسلامی را برای رفع این مشکلات پیگیری می‌کرد. ایشان با طرح ایده یکسان‌سازی شعائر اجتماعی اسلام، هماهنگی پیروان امت اسلامی در ظواهر و آیین‌های عبادی را راه‌کاری برای همکاری بیشتر علمای جهان اسلام معرفی کرد و با پیشنهاد تغییر جهت اختلافات میان فرق اسلامی به اختلافات فقهی، مسیری جایگزین و سازنده برای حل اختلافات در اختیار علمای اسلام گذاشت.

پی‌نوشت

۱. برای نمونه و جهت آشنایی با اختلاف نظر امام موسی صدر و علامه امینی (ره) در مورد وحدت مذاهب و ارتباط با اهل سنت رک: کمالیان و رنجبر کرمانی، ۱۳۸۶: ۳۹.
۲. متن کامل این نامه در هفت آسمان، شماره هفتم، پاییز ۱۳۷۹، منتشر شده است.
۳. آیت‌الله شیخ محمود خلیلی، رئیس دفتر امور شرعی مجلس اعلای شیعیان و از ملازمان امام موسی صدر، این وقایع را این‌گونه نقل کرده است: «... امام صدر سلیقه خاصی داشت که چگونه در مسائل حساس وارد شود و مشکلات را حل کند. مثلاً مسئله شهادت سوم (اشهد ان علیا ولی الله) و حی‌علی‌خیرالعمل در اذان از اختلافات شیعه و سنی است و هیچ‌کس نتوانسته بود این مسئله را حل کند. ایشان پس از تأسیس مجلس اعلای شیعیان، می‌خواستند شهادت ثلثه و حی‌علی‌خیرالعمل را در فضای عمومی وارد اذان کنند. نامه‌ای به مفتی حسن خالد می‌نویسند: "طایفه ما از بنده انتظاراتی دارند. لذا بهتر است به اذان زمان پیامبر(ص) بازگردیم و حی‌علی‌خیرالعمل را در اذان بازگردانیم. حال می‌گوییم که شهادت ثلثه نباشد؛ اگرچه می‌دانید اگر این شهادت را حذف کنم، در میان طایفه خودم برایم خیلی گران تمام می‌شود. لکن این مسئله را می‌پذیرم، به شرط اینکه شما حی‌علی‌خیرالعمل را در اذان بگنجانید". برخی به ایشان گفتند که چرا این کار را کردید؟ ایشان گفتند: "من می‌دانم که او اختیاراتی ندارد و فردا می‌گوید این مسئله در حوزه اختیارات من نیست و باید الازهر این مسئله را تأیید کند. آن وقت ما می‌گوییم که پس یک وقت شما اذان خودتان را پخش کنید و یک موقع ما اذان خودمان (همراه با شهادت ثلثه و حی‌علی‌خیرالعمل) را پخش می‌کنیم". در نهایت هم همان‌طور شد و رادیو لبنان تقسیم شد". در گفت‌وگو با آیت‌الله شیخ محمود خلیلی، شهروند/امروز، ش ۶۰، ص ۷۶.

کتاب‌نامه

- اباذری، عبدالرحیم (۱۳۸۱)، *امام موسی صدر؛ امید محرومان*، تهران: جوانه رشد.
- حجتی کرمانی، علی (۱۳۸۳)، *نای و نی*، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- خسروشاهی، سیدهادی (۱۳۸۷)، *یادنامه امام موسی صدر*، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- شریعتمداری، حمیدرضا (۱۳۷۹)، «تقریب مذاهب اسلامی؛ گامی به پیش»، *هفت آسمان*، شماره هفتم، پاییز.
- صدر، سیدموسی (۱۳۸۴)، *ادیان در خدمت انسان*، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- _____ (۱۳۸۶)، *رهیافت‌های اقتصادی اسلام*، به اهتمام و ترجمه مهدی فرخیان، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- _____ (۱۳۸۷الف)، *عدالت در اسلام*، پرتوها ۸، ترجمه مهدی فرخیان، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- _____ (۱۳۸۷ب)، *دین در جهان امروز*، پرتوها ۴، ترجمه مهدی فرخیان، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- _____ (۱۳۸۷ج)، *روح تشریح در اسلام*، پرتوها ۸، ترجمه مهدی فرخیان، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- _____ (۱۳۸۷د)، *محمد (ص)؛ پیامبر بت‌شکن*، پرتوها ۱، ترجمه مهدی فرخیان، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- کمالیان، محسن (۱۳۸۰)، «گرایش‌های تقریبی امام موسی صدر»، *هفت آسمان*، شماره یازدهم، پاییز.
- _____ (۱۳۷۷)، *عزت شیعه*، دفتر اول، قم: ناشر مؤلف، دفتر تبلیغات.
- _____ و علی‌اکبر رنجبر کرمانی (۱۳۸۶)، *عزت شیعه*، دفتر دوم، قم: صحیفه خرد.
- محمودی، علیرضا (۱۳۸۷)، *شرح صدر (مروری بر زندگی و مجاهدت‌های امام موسی صدر)*، تهران: همشهری.
- گفت‌وگو با آیت‌الله محمود خلیلی (۱۳۸۷)، *شهروند امروز*، ش ۶۰.